

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

مجامع اسلامی ایرانیان

۱۱ فیبروری ۲۰۲۵

بیانیه مجامع اسلامی ایرانیان

به مناسبت چهل ششمین سال انقلاب ضد استبداد و وابستگی مردم ایران

سالگرد انقلاب ضد استبدادی-استعماری بر شما مبارک باد

هرگاه دستگاه حکومتی کشوری متصلب و انعطاف ناپذیر می گردد، هرگونه اصلاح ناممکن و انقلاب ناگزیر می شود. در ایران؛ نظام استبدادی و وابسته پهلوی که در پی دو کودتا علیه حاکمیت ملی در ایران مستقر شد از این قاعده مستثنی نبود.

نخست کودتای سال ۱۲۹۹ توسط سید ضیاء طباطبائی و رضاخان تحت حمایت و زعامت انگستان سلطه جو. حرکتی که به مشروطیتی که با فداکاری و خون شهیدان بسیاری به دست آمده بود پایان داد و استبداد رضا شاهی و خاندان پهلوی را بنا نهاد. دیگری کودتای امریکائی-انگلیس، در سال ۱۳۳۲ علیه حکومت ملی دکتر محمد مصدق. محمدرضا شاه، با کوتا علیه حکومت دکتر مصدق، شخصیتی که کوشش فراوان کرد تا با صیانت از استقلال و آزادی ایران و حقوق ایرانیان، مشروطه را احیاء کند تا شاه سلطنت کند و حکومت و حاکمیت با مردم باشد، این فرصت را از ایرانیان ستاند تا استبدادی انعطاف ناپذیر را در کشور مستقر کند.

بنا بر قاعده، هر دستگاه حکومتی که به راه استبداد می رود، پایگاه مردمی و درونی را از دست می دهد، بناچار برای بقاء، از یک سو نیازمند اتکاء به برون مرز و قدرت حامی می شود و بدینسان استقلال خود و کشور را از دست می دهد، و دیگر سو، چون انعطاف ناپذیر است هر صدای مخالف و نقدی را تحمل نمی کند، بنا بر این، آزادیها محدود و معترضان سرکوب می شوند و بدین ترتیب با نقض استقلال و آزادی، دو رکن اساسی حاکمیت ملی، این حق از مردم سلب می شود. شاه و رژیم او، پس از کودتای ۲۸ مرداد- اسد- به این درد دچار شد و در سالیانی که در پی آن آمد با تمایل شاه به خودکامگی کامل، مزمن و درمان ناپذیر شد.

در چنین مدار بسته‌ای که خشونت محض و ناقض حاکمیت ملی است، جامعه برای ادامه حیات ملی و باز یافت حق حاکمیت خویش، نیازمند خشونت زدائی با دست زدن به تغییر بنیادی است که منجر به انقلاب می شود. در سال ۵۷ فساد و نارضایتی اجتماعی ناشی از استبداد خودکامه که خود شاه در آخرین پیام خود و با شنیدن صدای انقلاب مردم به آن اذعان کرد، بستر این تغییر فراهم شد.

مردم ایران لااقل دو جنبش و تجربه بزرگ، یکی مشروطیت و دیگری ملی کردن صنعت نفت که هر دو برای احقاق حقوق خویش و برخورداری از استقلال و آزادی بود را از سر گذرانده بودند که هر دو با دخالت بیگانه و سرسپردگی عناصری از درون، ناکام مانده بود، جنبشی را برای استقرار حاکمیت خویش، برقراری استقلال و آزادی و رشد بر میزان عدالت اجتماعی آغاز کردند.

اما هیچ جنبشی برای تغییر، بدون داشتن چشم انداز روشن و آینده‌ای بهتر یا ممکن نیست و یا موفق نخواهد شد. شعارهای انقلاب ۵۷ و تعهدی که رهبری انقلاب از زبان آقای خمینی در مقابل جهانیان ابراز کرد و به بیان پاریس شهرت یافت این چشم انداز را نوید داد. جنبش همگانی شد و نهایتاً در ۲۲ بهمن- دلو- ۱۳۵۷ در استقلال و آزادی کامل، به حاکمیت استبدادی پهلوی و نظام سلطنتی پایان داده شد.

اما پس از انقلاب، بخشی از رهبری انقلاب، در سودای باز سازی استبداد، این بار به رنگ و لباس دین شد. آقای خمینی که سخنگو و رهبر جنبش ضد استبدادی شده بود، به راه استبداد رفت.

او که در پاریس، به تکرار از حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش، از ولایت جمهور مردم گفته بود دم از ولایت فقیه و سپس مطلقه آن زد و با نقض عهده‌ی که با مردم بسته بود با تغییر مسیر و انحراف از راست راه انقلاب، به آرمانهای مردم پشت کرد. آقای خمینی با حمایت و پشتیبانی حزب کمونیست توده و دیگر احزاب "ستالینی" هدایت و رهبری کودتا علیه نظام جمهوری، رژیمی را بنیاد نهاد که با آرمانها و شعارهای انقلاب، استقلال، آزادی، جمهوری "اسلامی" در تضاد است.

اینک از رژیمی که او بنیاد نهاد جز پوسته‌ای فاسد باقی نمانده است، استقلال و آزادی مخدوش و اسلام که به هنگام انقلاب و اوج جنبش به مثابه بیان آزادی، عامل وحدت معتقد و غیر معتقد بود در اسلام فقاهتی، پراز خرافات و هن آمیز خلاصه شده است.

ضد انقلاب مغلوب (جانبداران نظام پیشین) و غالب (کودتاگران علیه جمهوریت) در یک امر مشترکند؛ این که وضعیت امروز، حاصل و نتیجه انقلاب است. از یک سو هم سو و هم جهت با نظامهای سلطه، در کوشش و تلاشند تا دو رکن اساسی نظام مردمسالار، استقلال و آزادی، دو اصلی که همواره ضامن بقای ایران بوده اند را بی اعتبار و محتوای خالی کنند.

واژ دیگر سو به یاری دستگاههای تبلیغاتی و سانسور دوران مرجع انقلاب که بهار آزادی نام گرفت، در صدد ساختن آلت‌رناتیو وابسته بر آمده اند تا بدین ترتیب با بی اعتبار کردن انقلاب ضد استبدادی- استعماری مردم، استقرار حاکمیت ملی را به تأخیر بیندازند.

قدرتهای سلطه گر به ویژه امریکا در راستای منافع ملی خود و نیز در سود نظام حاکم، با به خدمت گرفتن برخی از به اصطلاح "مخالفان" رژیم استبدادی حاکم بر ایران، با مبالغه‌نگفتی که در اختیار آنها گذاشته و می گذارند می کوشند و قصد آن دارند تا چنین وانمود کنند که مخالفان نظام فاسد ولایت مطلقه در وابستگی و فساد، از حاکمیت استبدادی هیچ کم ندارند.

تجربه سه جنبش بزرگ ایران به ما آموخته است که عمده ترین، عامل ناکام ماندن آنها، وابستگی عناصری از درون به بیگانه و نقض استقلال و آزادی بوده است.

بدیل نظام ولایت مطلقه زمانی موفق خواهد شد که در رفتار و کردار و گفتار با استبداد حاکم هم رنگ و هم جنس نباشد.

هموطنان:

آنچه که امروز در ایران، از فساد و جنایت و خیانت می‌گذرد و حیات ملی ایران را با خطر مواجه کرده است نتیجه کودتا علیه انقلاب ضد استبدادی- استعماری مردم است.

تنها راه پایان دادن به این وضعیت پرخطر، استقرار حاکمیت ملی و ولایت جمهور مردم بر سرنوشت خویش (آرمانهای والای انقلاب ۵۷) است.

به هم پیوستن جنبشهای اعتراضی مطالبه محور، از کارگری و دانشجویی، دهقانی و دیگر اصناف که در استقلال و آزادی کامل، بدون دخالت بیگانگانی که منافع خود را در تضاد با حقوق ملی ما می‌جویند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

هموطنان، رعایت حقوق خود و دیگری (حقوق انسان، حقوق شهروندی، حقوق ملی و حق طبیعت)، دایره عمل حاکمیت را تنگ کرده و امکان تغییر بنیادی و استقرار جمهوری حقوقمدار را فراهم و بدین ترتیب، عمر استبداد حاکم را کوتاه تر خواهد کرد.

چنین باد

مجامع اسلامی ایرانیان

۲۱ بهمن- دلو- ۱۴۰۳ برابر با ۹ فیبروری ۲۰۲۵